

#### اشاره

توده زنان مسلمان عمده‌ترین تلاش‌ها و اقدامات سیاسی تاریخ معاصر ایران را رقم زده‌اند. مقاله حاضر نیز با فرض این اصل، در صد پاسخگویی به این پرسش است که چرا بیشترین فعالیت سیاسی زنان در دهه‌های گذشته تاریخ ایران به این قشر متعلق بوده است؟

بخش نخست مقاله که در شماره قبلی تقدیم خوانندگان گردید، با تبیین چارچوب‌های نظری بحث در قالب سه نظریه محافظه کارانه، آزادیخواهانه و میانه‌گرایانه، مهم‌ترین کوشش‌ها و مظاهر فعالیت سیاسی زنان تاریخ معاصر ایران در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ را تحلیل کرد. تحلیل کوشش‌ها و نمودهای فعالیت سیاسی زنان معاصر ایران در دهه‌های بعدی را در این شماره از نظر می‌گذرانید. زنان در دهه ۶۰

مقدمه این که دوره‌ای که از پیروزی انقلاب اسلامی ایران آغاز و با شروع جنگ تحمیلی پایان می‌پذیرد، دوره تثبیت ارزش‌های دین و مذهبی در زنان است، ارزش‌هایی که زنان بر پایه آن، انقلاب را در نیل به پیروزی مدد رساندند. به بیان دیگر، زنان با حضور حماسی خود در سال‌های انقلاب، به نفی دواندیشی و تفکر پرداختند. اندیشه‌ای که فعالیت سیاسی را برای زنان حرام می‌دانست، و عقیده‌ای که زن را یک شیء زیبا و لوکس می‌خواست. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نوبت آن رسیده بود که زنان نشان دهند، زن مسلمان نه در قالب اندیشه متحجرانه مقدس مآب‌های مذهبی تعریف می‌شود و نه در چارچوب تفکر مدرنیته روشنفکر مآب ضد دینی. بنابراین، او برای نهادینه کردن الگوی جدید زن مسلمان به ایفای نقش‌های جدید و ویژه‌ای پرداخت: عرصه جدید خدمت: در نظام هستی، انسان یک عنصر مسئولیت‌پذیر است و حدیث شریف نبوی: «کلکم راع و کلکم مسئول» ، نیز گواه بر این ادعاست که بشر اعم از زن و مرد، دارای مسئولیت الهی در قبال جامعه انسانی‌اند. امام خمینی (ره) با نام‌گذاری روز تولد حضرت فاطمه زهرا (ع) به عنوان روز زن، بر لزوم مسئولیت‌پذیری عمومی به ویژه زنان تأکید ورزید. از این رو، زنان انقلابی با الهام از اسلام و امام، پذیرش مسئولیت‌های جدید را یک ضرورت تلقی می‌کردند. پیدایش احساس مسئولیت جدیدتر و پذیرش آن از سوی بانوان ایرانی، باعث تحول و دگرگونی روحی بزرگی در آنان شد، به گونه‌ای که این قشر عظیم که در نظام شاهنشاهی، بیشتر بی‌اعتنا به امور سیاسی و اجتماعی بود، به قشری زنده، فعال و متعهد تبدیل شد که می‌خواست توانایی حضور مصمم خود در همه عرصه‌ها را، به نمایش بگذارد. (شیدائیان، 32:1384)

یکی از مسئولیت‌های جدیدی که زنان بر عهده گرفته‌اند، مشارکت در امر جهاد سازندگی بود. امام تأکید و در خواست می‌کرد که چه بانوان و چه مردان به ساختن خرابه‌های بر جای مانده از رژیم ستمشاهی بپردازند، زیرا، معتقد بود که این خرابه‌ها تنها به دست مردان ساخته نمی‌شود، بلکه زنان هم باید در ترمیم آن مشارکت جویند. (ریحانه، ۱۳۸۴: ۱۷) مقام معظم رهبری هم فرموده: «زن بایستی در میدان تلاش و جهاد عمومی و فعالیت‌های مشروع همگانی و در زمینه‌های سازندگی به اشکال گوناگون و در طیف وسیع حضور داشته باشد». (خامنه‌ای، ۱۳۷۹: ۶۵) به همین جهت، خواهران اینثارگر به عضویت نهاد جهاد سازندگی در آمدند و با فداکاری بی‌نظیر توانستند در میان دشوارترین شرایط و در سخت‌ترین مناطق جغرافیایی کشور، آثار ارزنده و همه جانبه‌ای برای مردم ستم‌دیده ایران به ارمغان آورند. (ریحانه، ۱۳۸۲: ۱۵) نکته جالب آن که بیشتر این زنان، خانم‌های تحصیل کرده‌ای بودند که هم‌دوش مردان به امر سازندگی پرداختند. (همان)

ماحصل پذیرش و اجرای مسئولیت‌های تازه، از زنان ایرانی عنصری ساخت که امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری آن را، این‌گونه توصیف می‌کند:

« 1. امروز زنان در جمهوری اسلامی، هم‌دوش مردان در تلاش سازندگی خود و کشور هستند». (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۳۴۰)

2. مجموعه زنان کشور ما از همه جای دنیا بهترند. وقت کار که می‌رسد، کار سیاسی، فرهنگی و تشکیلاتی، جلو هستند، وقت جهاد که می‌رسد، فرزندان خودشان را به جبهه می‌فرستند. وقت خانه‌داری و تربیت اولاد که می‌رسد، کدبانوهای خانه دارند. همه این‌ها در دنیا کمیاب است. این‌ها خیلی ارزش است. تربیت اسلامی است و امید بخش است». (خامنه‌ای، ۱۳۸۱: ۹۶)

در جنگ و دفاع: اولین مسئولیت جنگی که زنان، به صورت خود جوش و همپای مردان بر عهده گرفتند، جنگیدن با دشمن بعثی بود، حتی آنان قبل از مردان، کوکتل مولوتف ساختند، تا به جنگ تانک‌های عراقی بروند که قصد داشتند از مرز شلمچه بگذرند. البته تهیه و به کار بردن کوکتل مولوتف، ابتدایی‌ترین کار رزمی خواهران و زنان به شمار می‌آید، بعدها آنها خود را به سلاح مجهز کردند تا مردانه با دشمن بجنگند:

" در قبرستان خرمشهر زن ۶۵ ساله‌ای را دیدم که تفنگ امریک بر دوش داشت. گفتم: مادر چه می‌کنی؟ گفت: پسر و دخترم آنقدر

جنگیدند تا شهید شدند و این‌جا خفته‌اند. می‌روم راه‌شان را ادامه دهم. هر چه او را منع کردم، نپذیرفت و گفت: باید از دینم، دفاع کنم. این تنها وظیفه شما پسرانم نیست، بلکه وظیفه من هم هست. جنگید و سرانجام با ترکش خمپاره شهید شد.» (همایش، 205: 1382)

زنان رزمنده در خرمشهر، کارهای دیگری را نیز بر عهده داشتند که مراقبت از تسلیحات، تسلیح رزمندگان، نگهداری از پیکر شهداء، توزیع سلاح بین رزمندگان از آن جمله بوده است. در جبهه‌های دیگر هم وضع به همین صورت بود. مثلاً در گیلان غرب، یک زن، چند سرباز عراقی و در شادگان، چهار شیر زن، هشت سرباز بعثی را به اسارت در آوردند. خانم فاطمه نواب صفوی، به همراه گروه چریکی شهید چمران و در ناحیه سوسنگرد، اسلحه به دست گرفت و جنگید. یک زن سوسنگردی با آرد مسموم نان پخت و با آن تعدادی از عراقی‌ها را از پای در آورد، و باز در این شهر مادر شهید الحانی، یازده سرباز عراقی را به خانه‌اش دعوت می‌کند، به آنها غذا می‌دهد، و زمانی که آنها به استراحت پرداختند و به خواب رفتند، او در اتاق را قفل می‌کند و بسیجی‌ها را با خبر می‌سازد، و خود او هم با چوب‌دستی به جان آنها افتاد. داستان این زن شجاع را مقام معظم رهبری، این‌گونه نقل کرده است: «به خاطر دارم در سوسنگرد خانم عرب مسنی زندگی می‌کرد که همسرش نابینا بود. ایشان با وجود این که چهل پنجاه سال داشت، خیلی شجاعانه و در حقیقت مردوار از شهر دفاع می‌کرد. معروف بود که با چوب‌دستی، چند سرباز عراقی را انداخته است.» (مافی، ۱۳۷۶: ۱۲۵)

صحنه‌های رزم زنان، اگر چه‌اندک بود، ولی اولاً، تا پایان دفاع مقدس کم و بیش ادامه یافت، و ثانیاً، تأثیر عمیقی بر روحیه رزمندگان داشت. به علاوه، زنان نقش‌های اطلاعات رزمی فراوانی را انجام دادند. خانم حورسی از مدافعان خرمشهر در این باره می‌گوید: «ما از آن لحظه‌ای که به نیروهای شناسایی ملحق شدیم، کار شناسایی دشمن، خنثی کردن بمب، شناسایی ضد انقلاب و پیدا کردن رد پای آنها در شهر و روستاها را دنبال کردیم.» (قاسمی، ۱۳۸۳: ۲۲)

نوع دیگر کار اطلاعاتی و امنیتی را خواهران بسیجی انجام می‌دادند، آنها در لباس امدادگر و پرستار به شناسایی منافقینی دست می‌زدند که به صورت ناشناس به بیمارستان‌ها سر می‌زدند، تا به تعداد شهداء و مجروحان جنگ و... دست پیدا کنند، و آن را در اختیار عراق قرار دهند.

مشارکت گسترده: بیش از صد زن ایرانی به ریاست مشاور رئیس جمهور در امور زنان، در چهارمین کنفرانس جهانی زن (۱۳۷۴) در پکن شرکت کردند، هر چند پیش از آن، زنانی از ایران در کنفرانس‌هایی چون: سومین کنفرانس جهانی زن در نیروبی (1364) و کنفرانس جمعیت و توسعه قاهره (۱۳۷۲) حضور یافتند، اما این حضورها از نظر کمی و کیفی با کنفرانس پکن قابل مقایسه نبود. زنانی که به کنفرانس پکن رفتند، برخی از سازمان‌های دولتی و دیگران از بخش‌های غیر دولتی بودند، و جالب آن که دفاع برخی دولتی‌ها از نظام، انقلابی‌تر از دولتی‌ها بوده است، البته ترکیب هیأت به گونه‌ای بود که زن قدر قدرتی که خود دولتی است را به تصویر نمی‌کشید. از این رو، علی‌رغم کم‌تجربگی زنان ایرانی در چگونگی استفاده از محیط‌های بین‌المللی، این هیأت توانست توجه رسانه‌های بین‌المللی را به خود جلب کند، به حدی که اگر دولت، میلیون‌ها تومان هزینه می‌کرد، نمی‌توانست تا به این میزان، رسانه‌های بین‌المللی را متوجه جمهوری اسلامی و موقعیت مناسب زن در آن نماید. (فرزانه، ۱۳۷۴: ۲۳)

یکی از تأثیرات کنفرانس ۱۳۷۴ پکن بر امور زنان ایرانی آن بود که برنامه عملی ملی زنان جمهوری اسلامی بر اساس سند پکن تنظیم شد که حرکت‌ها و فعالیت‌های بین‌المللی بعدی زنان ایران، بر پایه آن شکل گرفت. در این چارچوب، ایجاد تقویت و تحکیم مناسبات دو و چند جانبه و بین‌المللی در بخش زنان وارد مرحله جدیدی گردید و برقراری ارتباط با سایر کشورها و حضور مؤثرتر و کارآمدتر در مجامع جهانی در دستور کار قرار گرفت که حاصل آن، شرکت زنان در اجلاس‌های سالانه کمیسیون مقام زن، اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۰ (اجلاس پکن + ۵) در نیویورک و اجلاس منطقه‌ای آن در بانکوک (1378)، اجلاس عالی‌رتبه بین‌الدولی منطقه آسیا و اقیانوسیه به منظور بررسی چگونگی اجرای اسناد پکن و پکن + ۵ در بانکوک (شهریور ۱۳۸۲) و اجلاس ۴۹ کمیسیون مقام زن (اسفند ۱۳۸۲) و ده‌ها کنفرانس تخصصی و منطقه‌ای دیگر بوده است. (مولاوردی، ۱۳۸۴: 165)

مشاور رئیس جمهور و رئیس مرکز وقت امور مشارکت زنان، علت حضور فعال زنان ایرانی در سازمان‌های جهانی را این‌گونه بر شمرده است:

1. معرفی اسلام به عنوان مکتبی رهایی‌بخش برای زنان
  2. معرفی الگوی زن مسلمان و ایرانی
  3. تأثیرگذاری بر روند جنبش جهانی زن
  4. تقویت روحیه معنویت و انسانیت در مجامع بین‌المللی زنان
  5. تقویت و انسجام روابط میان زنان کشورهای جهان به ویژه کشورهای اسلامی
  6. تأثیرگذاری بر روند تدوین اسناد بین‌المللی مربوط به زنان و خانواده
  7. رفع شبهات، ایرادات و ابهامات وارده بر وضعیت زنان در جمهوری اسلامی (همان)
- مجلس قانون گذاری: در اولین انتخابات پارلمانی (۱۳۵۹-۱۳۶۳) چهار نماینده زن و در دوره دوم (۱۳۶۳-۱۳۶۷) نیز چهار نماینده زن به مجلس راه یافتند. در دوره اول خانم‌ها به‌روزی، دستغیب، رجایی و طالقانی و در دور دوم، خانم‌ها به‌روزی، دستغیب، رجایی و دباغ به نمایندگی مجلس انتخاب شدند. تعداد نمایندگان زن دو دوره اول و دوم نسبت به کل نمایندگان مجلس، ۱/۶ درصد و بالاترین تحصیلات دو دوره، فوق لیسانس و پایین‌ترین آن ششم ابتدایی بود. میانگین سنی نمایندگان زن دوره اول ۳۸/۵ و دور دوم

۴۳/۵ سال را نشان می‌دهد .

در دوره اول مجلس، شانزده قانون درباره زن و خانواده به تصویب رسید که مهم‌ترین آنها عبارتند از: معافیت زنان متأهل پزشک و پیراپزشک و حرف و وابسته در مناطق جنگی (۴ آبان ۱۳۶۰)، قانون واگذاری حق حضانت فرزندان صغیر یا محجور به مادران (۷ دی ۱۳۶۰)، قانون راجع به برقراری مستمری به خانواده بیمه شدگان نیروهای مسلح شهید و معلول (۱۸ بهمن ۱۳۶۰)، قانون اصلاح موادی از قانون مدنی در زمینه‌های تابعیت، ازدواج، طلاق و دیگر مواد مربوط به زنان و خانواده (۹ آذر ۱۳۶۱)، قانون الزام دولت به تهیه لایحه تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست (۱ آبان ۱۳۶۲) و قانون راجع به خدمت نیمه وقت بانوان مستخدم دولت، شرکت‌های تابعه دولت و شهرداری‌ها. (معمدی، ۱۳۷۷: ۱۳۰)

زنان شاهد تصویب سیزده قانون مربوط به خود در مجلس دوم بودند که قانون نحوه اجرای قانون مربوط به خدمات نیمه وقت بانوان (۱۸ فروردین ۱۳۶۴) و قانون اعطای مرخصی بدون حقوق به زنان مستخدم به هنگام مأموریت همسران‌شان به خارج از کشور (۱ آذر ۱۳۶۶) از آن جمله است. چند قانون حمایتی هم درباره خانواده و عفت عمومی به تصویب رسید. مانند: اصلاح لایحه قانونی راجع به تأمین درمان معلولان و اعضای خانواده آنها (۲۵ آبان ۱۳۶۳)، قانون محکومیت کسانی که در انتظار عمومی، وضع پوشیدن لباس و آرایش آنان خلاف شرع و یا موجب ترویج فساد و یا هتك عفت می‌شود، به تذکر، توبیخ، تهدید، تعطیل محل کسب، ده الی بیست ضربه شلاق و جریمه نقدی (۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۵) و قانون معافیت يك نفر از فرزندان خانواده‌های شهداء، معلولین، اسراء و مفقودالائرها از خدمت وظیفه عمومی (۲۴ آذر ۱۳۶۶) (ارشدی، ۱۳۸۴: ۷۹) : خلاصه این که زنان پس از انقلاب اسلامی عرصه‌های تازه‌ای را برای حضور خود یافتند. آنها مشارکت در این عرصه‌ها را هم تکلیف شرعی می‌پنداشتند و هم ضرورت و مصلحت را در آن می‌دیدند در شرایطی که انقلاب نوپای اسلامی دشمنان بسیار داشت خود را از میدان مبارزه و خدمت جدا ن سازند و بیش از گذشته به فعالیت خود در دو عرصه خانواده و اجتماع ادامه دهند و البته حمایت‌ها و رهنمودهای امام خمینی در این راه راهنما و مدد کار آنان بود .

زنان در دهه ۷۰

مقدمه این که در سال‌های اولیه پس از انقلاب اسلامی، زنان کوشیدند مفاهیمی کلی از ارزش‌های انقلابی چون: مسئولیت پذیری را نهادینه نمایند، ولی با دور شدن از آن سال‌ها، به ویژه پس از جنگ تحمیلی، ارائه مصادیقی از آن مفاهیم کلی که به حل مشکلات اجتماعی بینجامد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر پیدا کرد، از این رو، زنان در بخش‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، مصداق‌های فراوانی را به عرصه آوردند تا نشان دهند، هنرشان تنها در طرح شعارها و مباحث کلی آرمانی نیست، بلکه می‌توانند همه آن مفاهیم کلی را بر سر سفره‌ها ببرند و با آن به بهبود وضع اجتماعی مردم بپردازند: فرهنگ و هنر: تولید علم، داستان نویسی، بازیگری سینما، مجسمه‌سازی، هنر تجسمی از جمله مواردی هستند که زنان به ایفای نقش در آن پرداخته‌اند. در واقع، هیچ عرصه‌ای را در فرهنگ نمی‌توان یافت که شاهد حضور فعال زنان نباشد، به آن دلیل که دفاع فرهنگی از انقلاب اسلامی در مقابل تهاجم فرهنگی دشمن، توانایی در همه عرصه‌های فرهنگی را می‌طلبد. البته بیان حضور زنان در برخی از امور فرهنگی، می‌تواند مشتکی بر خروار باشد:

استاد: در سال ۱۳۷۱، از مجموع ۱۰۶۶۰ استاد و مدرس تمام وقت در مراکز آموزش عالی، ۱۴۹۳ نفر آن، یعنی ۱۴ درصد از کادر آموزشی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری را زنان تشکیل می‌دادند، ولی این رقم در سال ۱۳۸۲ به ۲۸ درصد افزایش یافت که نشان دهنده حضور فعال این قشر در عرصه دانشگاه‌هاست. در سال ۱۳۷۵، از مجموع ۱۸۲۲۸ عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، ۲۲۸۵ نفر یعنی ۱۲/۵ درصد از آن زنان بود، اما در سال ۱۳۸۲ يك رشد ۳۷ درصدی در کادر آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی اتفاق افتاد. اگرچه این افزایش‌ها با توجه به رشد حدود ۷۰ درصدی ورود دختران به دانشگاه‌ها، کم است، با این وصف، يك روند تصاعدی خوبی را در اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها نشان می‌دهد. (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۳: ۴۸) :

دانشجو: در سال ۱۳۶۶، سهم دانشجویان زن متخصص شامل دانشجویان مشغول به تحصیل فوق لیسانس به بالا در مؤسسات آموزش عالی، ۲۹ درصد و در سال ۱۳۸۲، ۳۸ درصد بود. در سال ۱۳۷۶، ۳۰ درصد دانشجویان متخصص دانشگاه آزاد اسلامی به زنان اختصاص داشت، این رقم در سال ۱۳۸۲ به ۳۹ درصد رسید. در سال ۱۳۶۶ فارغ التحصیلان زن متخصص در مؤسسات آموزش عالی، ۲۶ درصد، در حالی که در سال ۱۳۸۲، عدد ۳۰ درصد را نشان می‌داد. در دانشگاه آزاد اسلامی و در سال ۱۳۷۰، سهم فارغ‌التحصیلان متخصص زن، ۱۸ درصد و در سال ۱۳۸۲، این رقم ۳۸ درصد بود. سهم زنان شاغل به تحصیل در مقطع دکترای حرفه‌ای یا تخصصی خارج از کشور در سال ۱۳۷۸، ۱۸ درصد و در سال ۱۳۸۲ به ۲۸ درصد افزایش یافت. (همان)

نویسنده: ظهور زنان داستان‌نویس در عرصه ادبیات کشور به اواخر دهه ۳۰ بر می‌گردد، اما دگرگونی‌های فرهنگی صورت گرفته در ایران پس از انقلاب اسلامی، جلوه تازه‌ای از حضور زنان در این عرصه را رقم زده به گونه‌ای که آثار پرشماری از آنان طی سال‌های اخیر در بسیاری از جشنواره‌ها صاحب رتبه شده‌اند. به عنوان مثال، آثار خانم سمیرا اصلان‌پور، بیشتر روایت زندگی نوجوانانی است که دل مشغولی‌های بزرگ سالانه دارند. به علاوه، مضمون جنگ تحمیلی و خاطرات جنگ، دست‌مایه اصلی نوشته‌های اوست. مثلاً کتاب چشم جبهه (۱۳۷۶) مجموعه خاطرات رزمندگان از جنگ است که در دوره دوم جشنواره کتاب دفاع مقدس، مورد تقدیر ویژه قرار گرفت. (صادقی، ۱۳۸۴: ۳۱۹) به هر روی نویسندگان زن، فعالیت چشم‌گیری در تولید کتاب دارند، به حدی که در سال ۱۳۷۶، ۲۳۲۲ کتاب توسط زنان اهل قلم منتشر شد که در سال ۱۳۷۹ این رقم به ۵۶۱۳ عنوان کتاب رسید. (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۳: ۵۱)

امور سیاسی: ایفای نقش زنان در امور سیاسی، اثرگذاری عمیق‌تری را به دنبال دارد، از آن رو که پدیده‌های سیاسی مستقیماً با افزایش و کاهش اعتبار نظام سیاسی ارتباط پیدا می‌کنند. از این رو، زنان حضور پررنگ سیاسی خود را که از دهه ۴۰ آغاز شده، همچنان حفظ کرده‌اند، البته به دلیل ضرورت‌های انقلاب، آن را در نقش‌های جدیدتری عرضه کرده‌اند:

همدلی سیاسی: همدلی زن و شوهر در همه تصمیم‌گیری‌های سیاسی افزایش یافته، زیرا، در مقابل این سؤال که در خانواده شما، اغلب چه کسی تصمیم می‌گیرد؟ تنها ۳۵/۵ درصد پاسخ داده‌اند، پدر، لذا ساختار تصمیم‌گیری در خانواده دگرگون شده است. از همه مهم‌تر این که، جوان‌ترها و تحصیل کرده‌ها بیشتر موافق تصمیم‌گیری‌های مشارکتی در خانواده‌اند، پس ارتقای سطح آموزش، باعث شده که از قدرت انحصاری مردان نسبت به قبل از انقلاب اسلامی در تصمیم‌گیری‌ها کاسته شود. مشارکت زنان جامعه شهری در تصمیم‌گیری‌های خانواده به جامعه روستایی هم سرایت کرده، چون پژوهش‌های انجام شده در ۵۱ روستای استان آذربایجان غربی و ۴۲ روستای استان یزد نشان می‌دهد، مشارکت نیمی از زنان روستایی (۵۰/۷ درصد در یزد ۴۸/۹ درصد در آذربایجان غربی) در تصمیم‌گیری‌ها پذیرفته شده است. (شادی طلب، ۱۳۸۱: ۲۶)

شوراها: در نخستین دوره انتخابات سراسری شوراهای اسلامی شهر و روستا (۱۳۷۷)، پنج هزار زن برای عضویت در شوراها، داوطلب شدند. این تعداد، تنها ۷/۳ درصد از کل نامزدها را نشان می‌داد، ولی آنها توانستند ۳/۱ کرسی اصلی شوراها را تصاحب کنند. در ۱۰۹ شهر، تعداد ۱۱۴ نفر از زنان، نفر اول یا دوم اعضای شهر بودند. در ۱۷۶ شهر دست کم یک زن، در ۴۸ شهر، دو زن، در ۸ شهر، سه زن و در یک شهر، چهار زن از اعضای اصلی شوراها بودند. در یکی از روستاهای کرمان، تمامی اعضای اصلی و علی‌البدل شورا از میان زنان انتخاب شدند. (صبح امروز، ۱۳۷۸: ۵)

حضور زنان در دومین دور انتخابات شوراها (۱۳۸۱) به جز دو استان چهار محال بختیاری و کردستان، از رشد کمی برخوردار بود، در حالی که تعداد کل منتخبان در انتخابات کاهش یافت. مثلاً تعداد منتخبان آذربایجان شرقی ۹۷۸۴ و ۸۵۹۰ به ترتیب در دور اول و دوم بودند، ولی انتخاب شدگان زن از ۳۳ نفر دور اول به ۴۱ نفر دور دوم رسید. (بشیری، ۱۳۸۴: ۵۷)

مدیران: نرخ رشد درصد مدیران، قانون‌گذاران و کارکنان عالی‌رتبه مردان شاغل، طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲ برابر صفر و نرخ رشد درصد زنان در مشاغل فوق، برابر ۵/۵۹ بود. آمار دیگری نشان می‌دهد که در دوره زمانی ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۲، نرخ رشد مشاغل مدیریتی برای مردان برابر ۳۰۳ و برای زنان، ۱۸۰۹ درصد بود، البته سهم زنان از مدیریت کشور در رده‌های مدیران پایه و میانی بیش از مدیران عالی است. به بیان دیگر، در سال ۱۳۸۰، از مجموع ۱۱۸۶ مدیر زن، ۴۱/۵ درصد در رده مدیران عالی، ۲۰/۶۷ درصد در رده مدیران میانی و ۷۵/۱۲ درصد در سطح مدیران پایه مشغول فعالیت بوده‌اند. نتیجه آن که افزایش سهم زنان در مدیریت کشور، تصمیم‌گیری‌های سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۳: ۳۱)

عرصه اقتصاد: نقشی که زنان در امور اقتصادی برعهده گرفته‌اند، گاه از نقش مشابه در مردان بیشتر است. جالب بودن این موضوع به آن است که با توجه به توانایی جسمی زیادتر در مردان نسبت به زنان، انجام کار اقتصادی موفق‌تر، از مردان انتظار می‌رود، ولی زنان حداقل در امور زیر، گاه برتری بالاتری را نشان داده‌اند، شاید از آن رو که برای پاس‌داشت انقلاب اسلامی، فعالیت عمیق‌تر اقتصادی را ضروری می‌بینند:

فعالیت اقتصادی: میزان نرخ رشد فعالیت اقتصادی مردان طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲ برابر ۰۴/۶ درصد، ولی برای زنان، برابر با ۹/۶ درصد، و نیز، نرخ رشد کارکنان فنی و تخصصی از مردان شاغل طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲ برابر ۲/۴۹ درصد و نرخ رشد برای زنان در مشاغل فوق برابر ۱۰/۸ درصد بوده، به طوری که در سال‌های مورد بررسی، در حدود ۲۵ درصد زنان شاغل را کارکنان فنی و تخصصی تشکیل داده‌اند، اما این رقم برای مردان در حدود ۱۰ درصد باقی ماند. (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۳: ۵۶)

درآمد مالی: زنان در جامعه روستایی نقش بیشتری را در اقتصاد خانواده برعهده داشته‌اند. دو پژوهش انجام شده در استان یزد و آذربایجان غربی به ترتیب ۵۱ و ۲۸ درصد را دارای درآمد مستقل گزارش کرده است. موضوع مهم دیگر، استقلال‌یابی زنان روستایی در چگونگی خرج کردن درآمد کسب شده است. در استان یزد، ۶۹ و در استان آذربایجان غربی ۸۴ درصد از زنان، خود درباره نحوه خرج درآمدهای‌شان تصمیم می‌گیرند، و در این باره، صرف این درآمد برای هزینه‌های جاری زندگی، آموزش فرزندان و کالاهای بادوام بیش از دیگر موارد است. شاید توانایی مالی این دسته از زنان باعث شده که بانک کشاورزی برای زنان روستایی تسهیلات ویژه‌ای اختصاص دهد. (شادی طلب، ۱۳۸۱: ۲۶)

کار تولیدی: نگرش جامعه نسبت به کارکردن زنان در خارج از خانه متحول شده است. پژوهشی که در چهار استان ایران انجام شده، نشان می‌دهد که ۴۶/۹ درصد افراد، با ضرورت اشتغال زنان، موافق و ۳۵/۴ درصد مخالف‌اند. پژوهش‌های دیگری که در سطح ملی انجام گرفته، چنین تحول نگرشی را تأیید می‌کند، به طوری که ۶۰ درصد زنان و ۴۶ درصد مردان، موافق کار کردن زنان هستند، از آن رو که با بالا رفتن سطح سواد، از مخالفت‌ها کاسته شده است. رابطه سواد و کار زنان را می‌توان در پاسخ مثبت ۴۲ درصد توده مردم و ۶۴ درصد نخبگان با کار کردن زنان به خوبی دید. تفاوت نگرش دختران جوان با مادرشان در مورد وظیفه اصلی زن در جامعه و سهم دو برابر دختران در مخالفت با اولویت داشتن در خانه ماندن، نشان دهنده تحول دیگر در این زمینه است. (همان)

مسائل اجتماعی: زنان برای دستیابی به ایفای نقش‌های مهم‌تر، به امور مسائل اجتماعی هم روی آورده‌اند. در این راستا، برخی از نقش‌هایی که برعهده گرفته‌اند، تازه‌تر از بقیه نقش‌هاست. تازگی نقش‌هایی چون کار در پلیس و تأسیس و اداره سازمان‌های غیر دولتی، اراده آنان را در کمک و مساعدت به انقلابی نشان می‌دهد که برای پایداری، به خدمات گسترده نیازمند است:

امور ورزشی: آمارها نشان می‌دهد، پیشرفت زنان در امر ورزش بسیار بالاست. یکی از دلایل این پیشرفت‌ها آن است که ورزش نقش محوری و اساسی در پیشرفت‌های فردی و ملی (کشور) دارد. به این دلیل، تعداد مربیان زن در سال ۱۳۷۲، ۳۲۷۱ نفر و در سال ۱۳۸۲ با افزایش ۱۰۰۰ درصدی به ۳۲۴۶۶ نفر در رشته‌های مختلف رسید. ۹۷۳ داور زن هم در رشته‌های مختلف ورزشی در سال ۱۳۷۲ به کار مشغول بودند، و پس از یازده سال یعنی در سال ۱۳۸۲، ۱۶۴۸۹ داور زن برای امر قضاوت در رشته‌های مختلف ورزشی، تربیت شده‌اند که نشان دهنده رشد بسیار خوبی است. (احمدآبادی، ۱۳۸۱: ۱۵۳)

پلیس زن: پلیس زن می‌تواند به کاهش جرایم اجتماعی کمک کند و به این وسیله محیط را برای توسعه، امن کند، از این رو، مجوز استخدام پلیس زن در سال ۱۳۷۷ صادر شد. در سال ۱۳۷۸ برای اولین بار، حدود ۳۰۰۰ نفر داوطلب در دفترچه‌های کنکور، برای ورود به جرگه پلیس زن اعلام آمادگی کردند ولی ۸۱۷ نفر آنان از سوی سازمان سنجش و آموزش کشور در مرحله اول معرفی و سرانجام ۱۰۰ نفر آنها توسط دانشگاه پلیس نیروی انتظامی، پذیرفته شدند. حاصل این کار، هم اینک به کارگیری ۴۰۰ پلیس زن در واحدهای راهنمایی، آگاهی و کلانتری و تأسیس اولین کلانتری بانوان است. در سال ۱۳۸۴ تعداد دانشجویان پلیس زن به ۴۰۰ نفر رسید. (همان)

سازمان غیردولتی: این سازمان یک تجمع مستقل است که اعضای آن داوطلبانه و بدون اتکاء به دولت، فعالیت می‌کنند تا یک یا چند نیاز اجتماعی را پاسخ دهند. این سازمان‌ها در زمینه‌های مختلف چون خیریه، جوانان، اعتیاد، محیط زیست، امور فرهنگی، آموزش و پرورش فعالیت می‌کنند. از این رو، به دلیل تأثیر رشد NGO های زنان خارج از کشور بر داخل و حمایت‌های دولت از آنها، NGO ها به صورت یک نیاز و ضرورت اساسی برای زنان در آمده است. البته تجربه اولیه NGO ها در جریان انقلاب اسلامی و به ویژه در جنگ تحمیلی اتفاق افتاده، ولی پس از جنگ و به ویژه در یک دهه گذشته، رشد بیشتری داشته است، به گونه‌ای که در سال ۷۲، ۳۲ در سال ۷۹، ۲۵۰ در سال ۸۰، ۵۹۱ و در ابتدای سال ۸۲، ۷۳۱ سازمان غیردولتی زنان مشغول فعالیت بوده‌اند. افزایش سازمان‌های غیر دولتی به معنای افزایش مشارکت عمومی در امور اجتماعی است که پشتوانه مردمی نظام را در مواجهه با دشمن و در نیل به توسعه پایدار تقویت می‌کند. (حورا، ۱۳۸۳: ۶۱)

خلاصه این که حضور سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زنان مسلمان ایران پس از انقلاب اسلامی، برجسته و مثال‌زدنی است. زیرا، اساتید زن دانشگاه‌ها، دانشجویان دختر و نویسندگان زن مانند آن، به سرعت افزایش یافته و هم اینک در حال افزایش بیشتر است. همدلی سیاسی برای مشارکت اجتماعی بین زنان و مردان بالا رفته، زنان از شرکت در شوراهای شهر و روستا استقبال خوبی به عمل آورده، و سهم خود را از مدیران کشور ترقی داده‌اند. در ابعاد اقتصادی، به کار و فعالیت اقتصادی اهمیت بیشتری داده و از این رو، درآمدهای مالی افزون‌تری را به دست آورده‌اند، و به این وسیله، به استقبال مالی بالاتری دست یافته‌اند. به نظر می‌رسد، حجم و گستره فعالیت اجتماعی زنان، بیش از سایر ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی باشد. آنان در این عرصه، به ورزش توجه جدی مبذول داشته، و حتی برای تأمین امنیت اجتماعی حاضر شدند، خطر را به جان بخرند و به عنوان پلیس، به فعالیت بپردازند. جالب آن که آنها با تشکیل و توسعه سازمان‌های غیردولتی به انتظار کار دولتی نماندند تا به آن وسیله، به توسعه کشور مدد رسانند.

#### نتیجه

نتایج چندی از این مقاله به دست می‌آید که برخی از آنها عبارتند از:

- الف - از میان سه نظریه ایی که برای تحلیل فعالیت‌های سیاسی اجتماعی زنان و زنان ایران به کار می‌رود، نظریه آزادی خواهانه از قدرت تبیین‌کنندگی افزون تری برخوردار است نظریه ایی که بر آن است که: به تشریح و تأیید توانایی زنان در تعیین هرگونه خط مشی سیاسی بدون دخالت دولت و یا دخالت‌اندک حکومت بپردازد و می‌کوشد ناتوانی و یا کم توانی نظام سیاسی در قالب بندی فعالیت‌های سیاسی زنان را نشان دهد به علاوه سعی وافری دارد تا توانایی زنان را برای تغییر الگوهای رفتاری سیاسی اجتماعی به تصویر بکشد.
- ب - در تاریخ معاصر ایران همه زنان دارای نقش سیاسی اجتماعی‌اند چه زنانی که برای توسعه ایران نگاه به بیرون دوخته بودند و چه زنانی که به رجل میهنی بی کفایت و سرسپرده امید داشته‌اند و دیگر زنان. ولی با توجه تلاش این مقاله در رونمایی وقایع تاریخی که نقش سیاسی اجتماعی توده زنان مسلمان در آن روشن است، نقش عمده را باید به توده زنان مسلمان داد و از این رو است که بیشترین تحولات تاریخی دهه‌های گذشته ایران اغلب رنگ و بوی دینی و مذهبی به خود گرفته است. البته نمی‌توان و نباید تأثیر آگاهی بخش زنان روشنفکر و پشتیبانی‌های حمایتی زنان دربار را در تلاش سیاسی اجتماعی این دسته از زنان نادیده گرفت اگرچه این تأثیرها و حمایت‌ها اندک بوده است. بدین وسیله مقاله حاضر اثبات کرده که توده زنان مسلمان بیش از دیگر زنان در امور سیاسی اجتماعی چهاردهه اخیر نقش آفرینند.
- ج - با توجه به ایفای نقش‌های مختلفی که زنان تاکنون برعهده گرفته و آن را اغلب با موفقیت پشت سرگذاشته‌اند، دیگر جایی برای گفتن و نوشتن این که زنان در خانه‌ها بمانند و کار اداره کشور را به مردان بسپارند، باقی نمانده است. زنان هم اینک می‌توانند با غرور بگویند که توانسته‌اند به باور و اعتمادی که امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری به آنان داشته‌اند، در صحنه عمل پاسخ مثبت داده‌اند. آنچه باقی مانده، بحث و جدال در ضرورت حضور و توانایی زنان در اداره امور نیست، بلکه آنان باید به گذشته بنگرند و با درس و آموزش بیشتر از آن، به آینده بیندیشند، و به ارتقای توانایی‌های خود بپردازند. گام نخست در این راه، تقویت نقاط مثبت گذشته و دور افکندن آسیب‌هایی است که حضور اجتماعی آنان را با خطر مواجه می‌سازد، یکی از این

آسیب‌های احتمالی، سنگین شدن کفه حضور اجتماعی به زیان وظایف مادری و همسری است. البته آنان توجه دارند راه پشت سر نهاده به دلیل اعتماد به نفسی بوده که انقلاب اسلامی و رهبری آن به آنها داده است و راه باقی مانده را باید با افزایش اعتماد به نفس به پیش ببرند.